

درآمدی بر اندیشه‌ی کلامی - سیاسی علامه میرحامد حسین هندی

نجف لکزایی*، سیدحسن ابوصالح**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۲۶

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۶/۲۳

چکیده

سلطه‌ی استعمار، شکاف‌های درون‌دینی در شبه قاره هند، بحران‌هایی مانند ردیه‌های علمی بر اندیشه‌ی شیعی و تأثیرپذیری منفی حکومت شیعی، از معضلات زمانه‌ی "میر حامد حسین" است. این تهدیدات مبانی شیعه را در بعد اندیشه و رفتار سیاسی آن‌زمان مورد هجمه قرار می‌دهد. او از عالمان شیعی است که به تبیین کلامی-سیاسی از نظام سیاسی امامت پرداخته است. رویکرد اصلاحی در حوزه‌ی اندیشه بر "رد انگاره‌های خلافت" و "تأثیر استعمار بر اندیشه‌ی امامت"، نقطه‌ی تمرکز وی بوده است. روش وی در زمینه‌ی کلام سیاسی در "عقبات‌الأنوار" در بررسی مسایل امامت و خلافت، روش استنتاج عقلی و نقلی از روایات و تحلیل محتواست. میرحامد حسین علی‌رغم بهره‌مندی از فضای مناسب حکومتی، در ارتباط با حکومت زمانه عزلت گزید؛ اما در برابر استعمار، با اتکا بر تولیدات داخلی و در ارتباط با دیگر مذاهب اسلامی، با اتخاذ وحدت عملکردی، به رفتار سیاسی خود چهره‌ی ویژه‌ای بخشید. بررسی "اقدامات کلامی-سیاسی وی در پاسخ به بحران‌های معرفتی جامعه‌ی دینی" و "تبیین نظام سیاسی امامت" موضوع این نوشته بوده و مسأله‌ی اصلی ما در نوشتار حاضر، تحلیل شکل‌گیری مبانی اندیشه‌ی سیاسی و استخراج آرای سیاسی از آثار موجود نام‌برده خواهد بود.

واژه‌های کلیدی:

امامت، خلافت، استعمار، اوده، نظام سیاسی امامت، آیات ولایت، احادیث ولایت.

* استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع) (Nlakzaee@gmail.com).

** عضو هیأت علمی دانشگاه ارومیه و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه

(sh.abousaleh@urmia.ac.ir).

مقدمه

سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری قمری، مقطعی از تاریخ اسلام است که جوامع اسلامی به دلیل سلطه‌ی استعمار و دشمنی آنان با اندیشه‌ی اسلامی، به‌ویژه اندیشه ناب تشیع، در آشفتگی و تفرقه بوده‌اند. این معضله در سرزمین هند نیز چشمگیر بوده و سبب بروز درگیری‌های اعتقادی و عملی در جوامع اسلامی هند شده است. با انقراض سلسله‌ی تیموریان، سادات شیعی حکومت پادشاهی تشکیل داده و به گسترش نهادهای شیعی اقدام کردند. اما سلطه‌ی کمپانی هند شرقی بر هندوستان، اوضاع این نهادها را دگرگون ساخت. پادشاهی شیعی که به مملکت شیعی "اوده" مشهور شده بود، از جمله حکومت‌هایی است که در هند تشکیل شد و اندیشمندان شیعه در آن فرصت به تحکیم مبانی شیعه اقدام کردند. "میرحامد حسین هندی" از جمله سادات نیشابوری است که به ترویج اندیشه‌ی شیعه در چنین فضایی پرداخته است. با توجه به مجاهدت‌های علمی و آثار بسیار غنی به‌جای‌مانده از علامه میرحامد حسین درباره‌ی اثبات امامت و رد خلافت، در این پژوهش کوشیده‌ایم تا گزارشی از مبانی اندیشه‌ی سیاسی وی ارائه کرده و مبانی نظام سیاسی امامت در آثار وی را استخراج کنیم. با مطالعه‌ی مجموعه‌ی ۲۳ جلدی *عقبات‌الأنوار* روش عقلی و نقلی میرحامد حسین در تدوین این مجموعه قابل مشاهده است؛ شیوه‌ای که با استناد به منابع اصیل اهل سنت و تطبیق و یا مقایسه با منابع روایی شیعه، به تحلیل سندی و دلالتی و در نهایت به اثبات امامت و رد خلافت پرداخته می‌شود. جانشینی پیامبر(ص) و روش تعیین جانشین از مهم‌ترین موضوعات آثار میرحامد حسین است.

سوانح احوال

سیدمهدی کنتوری نیشابوری معروف به میرحامد حسین، در پنجم محرم الحرام سال ۱۲۴۶ ه.ق در "میرتهه" هند متولد شد (سعادت حسین خان: ۲). وی فرزند سید محمدقلی نیشابوری (۱۱۷۴ - ۱۳۴۸ق) است. جدش، مولانا سید اوحد شرف‌الدین (نیمه دوم سده دوازدهم قمری) در حمله‌ی مغول به ایران، از نیشابور به هندوستان مهاجرت کرده و در شهر "کنتور" هند ساکن می‌شود (فدا حسین لکهنوی، مخطوطات کتابخانه آستان قدس رضوی: ۱۰). از اساتید میرحامد حسین باید به سید محمدقلی نیشابوری (۱۱۷۴ - ۱۳۴۸ق)، سید محمد بن دلدار علی سلطان‌العلماء (۱۱۹۹ - ۱۲۸۴ق)، سید حسین بن دلدار علی سید‌العلماء (۱۲۱۱ - ۱۲۷۳ق) و سید محمد عباس شوشتری (۱۲۲۴ - ۱۳۰۶ق) اشاره کرد (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۸، ج: ۱ و ۱۰۳ و حسینی میلانی، ۱۳۷۲، ج: ۱: ۱۳۵).

از شاگردانش نیز باید به سیدناصر حسین موسوی (۱۲۸۴ - ۱۳۶۱ق)، سیدسراج حسین موسوی (۱۲۳۸ - ۱۲۸۲ق)، قاضی کرامت حسین موسوی (۱۲۶۹ - ۱۳۳۵ق)، سیدتصدق

حسین موسوی (۱۲۶۳ - ۱۳۴۸ ق)، سیدغلام حسنین کنتوری (۱۲۴۷ - ۱۳۳۷ ق) و سیدعباس حسین رضوی جارچوی (۱۲۴۰ - ۱۳۴۵ ق) اشاره کرد (کشمیری، ۱۳۹۴ق، ج ۱: ۱۹۰).

جایگاه علمی

هرچند میرحامد حسین به سبب تألیف عباقات الأنوار مورد توجه بوده است (فخرالشریعه، ۱۳۷۱: ۱۰۷)، اما دیگر آثارش مغفول مانده است. عالمان بزرگ با تعبیری به تجلیل از جایگاه علمی وی پرداخته‌اند. عباراتی مانند آیت‌الله فی‌العالمین، مجدد ملت، محی‌الدین، حجت‌الحق علی‌الخلق در کلام میرزای شیرازی (۱۲۳۰-۱۳۱۲ق)، شیخ عباس قمی (۱۲۹۴-۱۳۵۹ق)، شیخ آقا بزرگ تهرانی (۱۲۹۳-۱۳۸۹ق)، علامه امینی (۱۳۲۰-۱۳۹۰ق)، محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه (۲۵۹-۱۳۱۳ق) و محدث نوری (۱۲۵۴-۱۳۲۰) (اعتمادالسلطنه: ۲۰۱) جلوه‌گر شده است. میرحامد حسین در سال ۱۳۰۶ق در شهر "لکنهو" وفات یافت. از آثار او در موضوعات علم کلام می‌توان به عباقات الأنوار فی إثبات امامة أئمة الأطهار، شوارق النصوص فی تکذیب فضائل اللصوص، إفحام اهل‌المین فی ردّ ازالة الغین، الغصب البتار فی مبحث آیه الغار، إستقصاء الإفحام، الشعلة الجواله و استیفاء الإنتقام و مصارع الأفهام؛ و در زمینه فقهی نیز آثار وی عبارت‌اند از: النجم الثاقب فی مسألة الحاجب، صفحه الالماس فی حکم الارتماس، الذرایع فی شرح الشرایع، أسأله و اجوبه الشریعة الغراء، زین الوسائل الی تحقیق المسائل، اسنی الوسائل، روض الاریض. برخی از آثار وی نیز دارای موضوعات مختلف می‌باشد که می‌توان به: کشف المعضلات فی حلّ المشكلات، أسفار الأنوار عن حقائق أفضل الأسفار، الطارف، شمع المجالس، شمع و دمع، فوائد ادبیه و گناهان کبیره اشاره کرد.

اوضاع زمانه و زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه‌ی سیاسی

ورود استعمار به شبه قاره هند مصادف است با گسترش دولت گورکانی که دوپست سال در این سرزمین حکمرانی کرده‌اند. هند بر اساس ساختار سیاسی کنفدراتیو و در عین حال منسجم، با رعایت ساختارهای سیاسی و قوانین عرفی هر طایفه و آئین و مذهب اداره می‌شد (لاپیدوس، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۱۴). شکل‌گیری حملات فرقه‌های اسلامی در قالب اهل تستن و اهل طریقت به مبانی اعتقادی شیعه، مهم‌ترین پدیده‌ی آن دوره‌ی تاریخ شبه‌قاره است. سیاست‌های استعماری بریتانیا در ایجاد اختلاف بین مسلمانان و هندوها، شرایط جدید زندگی سیاسی و اجتماعی شیعیان را رقم می‌زند.

سیاست متعالیه

- سال پنجم
 - شماره هفدهم
 - تابستان ۹۶
- درآمدی بر اندیشه‌ی
کلامی - سیاسی
علامه میرحامد
حسین هندی
(۹۷ تا ۱۱۶)

در روند سلطه‌ی استعمار جهت تضعیف جامعه‌ی مسلمانان، اروپائیان جایگاه مسلمانان را در مناصب عالی سیاسی گرفته و اختلافات اساسی بین مسلمانان - اعم از شیعه و اهل سنت - و هندوها شدت می‌یابد (همان: ۱۸۰).

۱. شکل‌گیری جریانات اصلاحی در مواجهه با پدیده‌ی استعمار

انحطاط گورکانیان پرسش جدی‌ای را برای مسلمانان به‌وجود آورد. این دغدغه‌ها عبارت بودند از این که آیا سبک زندگی اسلامی را می‌توان ادامه داد؟ بدیل نظام گورکانیان کدام یک از نظام‌های سیاسی حاضر است؟ چگونه باید با حاکمیت بریتانیا تعامل صورت گیرد؟ و مهم‌ترین پرسش این بود که چگونه شریعت اسلامی احیا می‌شود؟ برای این پرسش‌ها چهار دسته پاسخ شکل گرفت:

موضع برخی از گروه‌ها به‌ویژه «برلوی‌ها»، بیان‌گر ضرورت حاکمیت بریتانیا و عدم ضرورت حفظ و انتقال اعتقادات سنتی اسلام بود.

موضع دوم، عدم همکاری با حاکمیت بریتانیا و تقویت حیات مذهبی از طریق ایجاد اصلاحاتی در شریعت بود؛ این گروه در تداوم سنت شاه ولی‌الله دهلوی (۱۱۱۴ - ۱۱۷۶ق) قرار گرفتند.

واکنش سوم، بیان‌گر احیای سنت اسلامی با بهره‌گیری از علوم غربی و خلق هویت سیاسی جدید اسلامی بود.

جریان دیگر، ملتزم به دفاع از اعتقادات اسلامی و جلوگیری از سیاست تفرقه بریتانیا بود که در ایالت "اوده" متمرکز بوده‌اند.

۲. شکل‌گیری جریانات انقلابی در مواجهه با پدیده‌ی استعمار

به‌رغم سازگاری نخبگان سیاسی مسلمان با سقوط گورکانیان، برخی از رهبران مذهبی به اندیشه و عمل دیگری ملتزم و ضمن اتکا به اصول جهانی اسلام، زمینه‌ساز اقدامات انقلابی شدند. اندیشه‌ی آنان بر این استوار بود که علت شکست گورکانیان، فساد اخلاقی و مذهبی بوده و جامعه‌ی اسلامی به‌دلیل این بی‌تفاوتی‌ها، گرفتار شده است. شاه عبدالعزیز دهلوی (۱۱۵۹ - ۱۲۳۹ق) ضمن فتوایی، هند را دارالحرب خوانده و اعلام کرد دیگر هند در حاکمیت شریعت اسلامی قرار ندارد (فرمانیان، ۱۳۸۲). وی نتیجه گرفت که پاسخ بریتانیا آن است که مسلمانان به جهاد با کافران برخیزند. اقدامات وی باعث تقویت سلطه‌ی بریتانیا و تشدید اختلاف شیعه و اهل سنت شده و هم‌اقدام عملی در رد شیعه را آغاز کرد. شاخصه‌ی مهم شاه عبدالعزیز، نقش دوگانه‌ی وی در نهضت سیاسی - فکری هند است. از یک‌سو به مبارزه علیه استعمار پرداخته و از سوی اقدامات وسیعی علیه تشیع انجام

داده است (لاپیدوس، ۱۳۸۱: ۲۱۶). او جهاد علیه استعمار را بر همه‌ی زنان و مردان واجب دانسته (خامنه‌ای، ۱۳۴۷: ۱۵۶) و نگران رشد تفکر شیعی در هند بوده است (موتقی، ۱۳۷۸: ۹).

۳. حکومت پادشاهی شیعی اوده

حاکمان "اوده" اهل نیشابور بوده و در زمان شاه سلطان حسین صفوی (۱۰۷۹-۱۱۳۹ق) به هندوستان مهاجرت کرده‌اند. در سال ۱۷۲۲ میلادی محمدشاه گورکانی (۱۷۰۲-۱۷۴۸م) امپراتور وقت دهلی، شخصی به‌نام میرمحمد امین (۱۶۸۰-۱۷۳۹م) را به حکومت اوده منصوب و سلسله‌ی حکومت اوده شکل گرفت (ابوالحسنی، ۱۳۸۳: ۹۷). منطقه‌ی اوده تابع امپراتوری تیموری بوده و از حاکمان آن به‌عنوان نواب وزیر - قائم مقام و وزیر امپراتور - یاد می‌شده است. با افول قدرت امپراتوری و نفوذ کمپانی هند شرقی و شکست در جنگ بوکسار، حکمرانان امپراتوری تحت سیطره‌ی بریتانیا درآمده و این امر به فرصت استقلال‌طلبی و شکل‌گیری سلسله‌ی سلاطین شیعی اوده تبدیل شد. شکل‌گیری حکومت شیعی، سه مرحله را پشت سر گذاشت (Ricardo Cole, 1989: 46-45): مرحله اول، خودمختاری حکومت شیعی اوده که حکومت مرکزی از نفوذ مذهب تشیع کاملاً آگاه است. مرحله‌ی دوم تثبیت حکومت در مرزهای داخلی و تقابل با نیروهای خارجی که در قالب نخبگان سیاسی اهل سنت و دیگر طبقات مذهبی مانند هندوها تعریف می‌شدند. مرحله سوم، شروع مداخله‌ی کمپانی هند شرقی و تلاش‌های آن‌ها در ایجاد تنش بین مسلمانان می‌باشد. میرحامد حسین با چهار تن از یازده پادشاه شیعه اوده، سلطان نصیرالدین حیدر (۱۲۴۳ - ۱۲۵۳ق)، ابوالفتح محمدعلی شاه (۱۲۵۳ - ۱۲۵۸ق)، محمد امجد علی شاه (۱۲۵۸ - ۱۲۶۳ق) و محمد واجد علی شاه (۱۲۶۳ - ۱۲۷۲ق) معاصر بوده است.

مبانی اندیشه‌ی سیاسی شیعه و روش استنادی میرحامد حسین

شیعه برای اثبات نظام سیاسی امامت به آیاتی از قرآن و احادیث نبوی استدلال کرده است. منطبق بر کلام سیاسی قدیم که روش‌شناسی مبتنی بر نص و سنت دارد، اصیل‌ترین منابع اندیشه‌ی میرحامد حسین استناد به آیات قرآنی و احادیث شریف پیامبر اکرم (ص) می‌باشد. رویکرد روشی در زمینه‌ی روایات، استدلال به روایات اهل سنت و جرح و تعدیل روایان بوده و اگرچه منابع ساختار معرفتی اندیشه‌ی سیاسی شیعه در آیات قرآن و سنت نبوی وجود دارد، با این حال ادله‌ی ساختار معرفتی اندیشه‌ی سیاسی شیعه در منابع اهل سنت نیز فراوان است. نکته‌ی مهم در روش استدلال میرحامد حسین، تمسک به منابع تفسیری اهل سنت است. این امر از سویی به نظریه‌ی امامت امکان گفت‌وگو با نظریه‌ی خلافت را داده؛ و از سوی دیگر، شیعه با رد عمل به روایاتی که از غیر ائمه‌ی اطهار (ع) وارد شده

سیاست متعالیه

- سال پنجم
 - شماره هفدهم
 - تابستان ۹۶
- درآمدی بر اندیشه‌ی
کلامی - سیاسی
علامه میرحامد
حسین هندی
(۹۷ تا ۱۱۶)

است، سلامت فرایند بنیان‌گذاری ساختار معرفتی خود را تضمین می‌کند (پرشکی، ۱۳۸۹). به این ترتیب از روایات ناخالصی که ممکن است در آن روند وارد شوند، دوری می‌جوید. خود او نوشته است: «تصمیم گرفتم کتابی بنگارم که قبل از من کسی به این کار نپرداخته است... و در آن کتاب به وضع احادیث مختلف و دروغ‌هایی که در آن‌هاست، پردازم» (میرحامد حسین، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۴). استدلال میرحامد حسین به منابع روایی اهل سنت عملاً آنان را بر سر دو راهی عمل به ادله و یا تناقض میان نصوص و ترسیم نظام سیاسی مبتنی بر این روایات قرار می‌دهد.

تبیین ساختار معرفتی اندیشه‌ی سیاسی شیعه در قرآن و سنت

شرایطی که بعد از وفات پیامبر اسلام شکل گرفت، منجر به تغییرات اساسی در روند سیاسی جامعه‌ی اسلامی شد. ظرفیت ایجادشده توسط اندیشه‌ی سیاسی شیعه باعث استدلال محکم شیعه در رد جریان حاکم بر اساس همان اصولی بود که جریان سقیفه بر آن متفق القول بودند (عباس حسن، ۱۳۸۳: ۳۸۲).

آنچه که از میرحامد حسین بر اساس آیات شش‌گانه‌ای که شاه عبدالعزیز با استناد به آن‌ها به رد اندیشه شیعه و نفی امامت و خلافت پرداخته، به‌جای مانده است، شش دفتر می‌باشد. بخش آیات عبقات‌الأنوار به‌صورت پیش‌نویس و بسیار خلاصه و تیتروار با دست‌خط میرحامد حسین در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. آیات شش‌گانه‌ای که میرحامد حسین درصدد تبیین بوده، عبارت‌اند از: آیات ولایت، تطهیر، مودت، اطاعت، سبقت و مباحله که عمر وی کفاف این مهم را نمی‌کند.

پایه‌ی دوم ساختار معرفتی شیعه در تدوین اندیشه‌ی سیاسی، استدلال به سنت پیامبر اکرم (ص) می‌باشد. شیعیان در زمینه‌ی معرفت سیاسی به: قول، عمل و تقریر پیامبر (ص) استناد کرده و همانند آیات قرآن به روایات اهل سنت نیز نظر داشته‌اند. میرحامد حسین در این بخش ابتکار عمل داشته و با جدیت به تحلیل روایات پرداخته است.

جایگاه عبقات‌الأنوار و آثار کلامی میرحامد حسین در اندیشه‌ی سیاسی اسلامی

بر اساس طبقه‌بندی‌های اندیشه سیاسی اسلامی، عبقات‌الأنوار در زمره‌ی اندیشه‌های کلامی - سیاسی قرار می‌گیرد که ضمن پرداخت مسئله به مباحث امامت، دارای وجوه سیاسی نیز می‌باشد. اگرچه این تقسیم‌بندی مورد نقد نیز قرار گرفته است (لک‌زایی، ۱۳۸۰: ۱۱۰) تاریخ‌نویسان اندیشه‌ی اسلامی معتقدند که نزاع بر سر جانشینی پیامبر گرامی اسلام از نخستین مباحث کلامی است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۱: ۱۱۷) و در این مجموعه، میرحامد حسین به تبیین روایات امامت و خلافت پرداخته است. بر اساس تقسیم‌بندی نجف لک‌زایی،

اندیشه‌ی وی ذیل اندیشه‌های سیاسی اصلاحی قرار می‌گیرد؛ زیرا وی اساساً وضع موجود جهان اسلام، به‌ویژه شیعه را نقد می‌کند و دلیل آن را غضب خلافت علی(ع) می‌داند. بر اساس تقسیم‌بندی دیگری، عقبات‌الأنوار ذیل یک رویکرد درون‌دینی تفسیری - روایی قرار می‌گیرد. در این روش با مراجعه به نصوص دینی، آیات وحی و سنت پیامبر گرامی اسلام(ص) و ائمه‌ی اطهار(ع) تلاش می‌شود تا حقانیت امامت به‌عنوان مبنای یک نظام سیاسی اثبات شود.

بخش اول عقبات‌الأنوار به تبیین حقانیت امامت در قرآن اختصاص دارد - این بخش به‌صورت مسوده بوده و ناقص است - و بخش دوم آن به تحلیل ضرورت، ماهیت و جایگاه امامت در احادیث، اختصاص می‌یابد. چنان‌چه خود او می‌گوید:

«إنّ هذا هو المنهج الثانی من کتابی المسمی بعقبات الأنوار فی إثبات امامة الائمة الاطهار، الّذی تقضت فیہ علی الباب السابع من التحفة العزیزة، و بالغت فی الذّب عن دمار الطریقة الحقة العلی (میرحامد حسین، ج: ۱، ص: ۷).

وی چنان به تدوین عقبات‌الأنوار اهتمام داشته که حتی نتوانست در تشییع جنازه‌ی فرزندش نیز حاضر شود.

۱. نظام سیاسی امامت، استدلال به روایات

میرحامد حسین پس از تبیین مفاهیم، مصادیق و استنتاج و سپس تحلیل محتوای سندی و دلالی، به ارائه‌ی روایات دوازده‌گانه‌ی مشهور امامت و خلافت می‌پردازد. روایات عبارت‌اند از: احادیث غدیر، منزلت، ولایت، طیر، باب، تشبیه، نور، ثقلین، سفینه و چند خبر دیگر.

۱.۱. حدیث غدیر؛ نقد روشی رد امامت و خلافت در امور دین و دنیا، تبیین خلافت عامّه و خاصّه

بر اساس محتوای حدیث پیامبر(ص) در روز غدیر، علی(ع) را خلیفه‌ی بعد از خود معرفی کرده است. میرحامد حسین ابتدا در پنج جلد به تحلیل سندی و دلالی حدیث می‌پردازد. وی در نقد روشی شبهات در زمینه‌ی حصر احادیث دوازده‌گانه اثبات امامت می‌نویسد:

«بار خدا یا! این کدام حصر است؛ عقلی یا استقرائی؟ عقل را خود در امثال این امور دخلی نیست. و اما استقراء، پس حال آن هم از استقراء ظاهر... خصوصاً نظر به این‌که در این جمله، آن احادیث هم داخل است که از آن افضلیت جناب امیرالمؤمنین(ع) ثابت می‌شود که آن مستلزم امامت است، و

این قسم احادیث خارج از حد احصاء و بیرون از حیطه‌ی استقصاء است و احدی از علماء اعلام و فضلاء فنخام اهل حق، لا تصریحاً و لا تلمیحاً این حصر باطل را ذکر نفرموده...» (ج: ۱، ۱۷).

میرحامد حسین با اسلوب خاص، با طرح آیه‌ی تبلیغ به معرفی مفسرین اهل سنت می‌پردازد که به شأن نزول این آیه اشاره کرده‌اند (ج: ۹، ۸۴). در ذیل معرفی اکابر اهل سنت در تأیید نزول این آیه و دلالت آیه بر امامت حضرت علی (ع) می‌گوید:

«پس بدان که نزول این آیه‌ی کریمه در واقعه‌ی خم غدیر دلیل صریح است بر آن که این آیه‌ی کریمه در تأکید تبلیغ حکم امامت و خلافت جناب امیرالمؤمنین (ع) نازل شده، و مراد از حدیث غدیر، امامت و خلافت آن جناب است» (ج: ۱، ۲۲۶).

در بخش پایانی مجلّات حدیث غدیر با رد امامت خاصه و محدود بر امور خاص به نتیجه‌گیری پرداخته و می‌گوید:

«لازم است که خلیفه و امام، رئیس در جمیع امور دین و دنیا باشد و تمام خلق در جمیع امور دین و دنیا مأموم او خواهند بود؛ و جائز نیست که کسی از خلق از امامت این امام در امری از امور دین یا دنیا خارج تواند شد... پس الحال در ثبوت امامت عاقله آن حضرت ریبی نماند؛ زیرا که مراد از امامت آن حضرت یا امامت عاقله است، فذاک المطلوب، و یا آن که امامت در بعض امور است دون بعض، و آن بعض از امور دین است یا دنیا، و علی التقادیر کأنها، ثبوت امامت آن حضرت ولو فی أمر من الأمور و لو کان واحداً مستلزم بطلان خلافت ثلاثه و مثبت امامت عاقله آن حضرت است» (ج: ۱، ۶۲۱).

۱.۲. حدیث منزلت: رد خلافت خاصه و منقطعه

میرحامد حسین در ذیل این حدیث با نقل سخن شاه عبدالعزیز در ایراد خدشه بر دلالت این حدیث مبنی بر امامت و رهبری امام علی (ع) و تأویل حدیث به خلافت خاصه و منقطعه بعد از پیامبر می‌نویسد:

«ورود حدیث منزلت در غزوه‌ی تبوک به‌مقام تسلیه‌ی جناب امیرالمؤمنین (ع) که مدلول روایات کثیره است، دلالت صریحه دارد بر آن که مراد از آن، اثبات مرتبه‌ی عظیمه‌ی خلافت و امامت عاقله است و لا اقل آن که مراد از آن اثبات مرتبه‌ی افضلیت و ارجحیت که آن‌هم مستلزم خلافت بلافاصله است، خواهد بود» (ج: ۱، ۱۸۴).

۱.۳. حدیث ولایت؛ امامت و ریاست عامه

از جمله روایاتی که مورد توجه میرحامد حسین بوده، روایت مرفوعه‌ی ولایت است. شاه عبدالعزیز در رد این روایت می‌گوید:

«ولیّ از الفاظ مشترکه است؛ چه ضرورست که اولیّ به تصرف مراد باشد

و نیز غیر مقتیدست به وقت و مذهب اهل سنت همین است» (ج ۱۲: ۲).

میرحامد حسین در رد گفته‌ی وی به معانی مختلف کلمه‌ی "ولیّ" پرداخته و با بررسی یکصد نفر از روایان حدیث ولایت و بررسی آن، به چهل وجه ولیّ را به معنی امامت و ریاست عامه دانسته و می‌گوید:

«بر هر منصف لیب و متأقل اریب، ظاهر و باهرست که بهقرینه‌ی لفظ

بعدی صراحت لفظ ولیّ در این حدیث مفید امامت و ریاست است؛ زیرا که

محیّیت و ناصرتیت و غیر آن مخصوص به زمان ما بعد جناب رسالت مآب (ص)

است» (ج ۱۲: ۴۹۵).

۱.۴. حدیث طبر؛ افضلیت به معنای ریاست و خلافت

از دیگر احادیثی که میرحامد حسین بدان پاسخ گفته، روایت طبر می‌باشد. وی با استناد به روایات و با توجه دادن به نظریات شاه ولی‌الله می‌نویسد:

«حیّیت دلیل افضلیت است و افضلیت موجب امامت و ریاست و خلافت؛

و این هر دو مقدمه به مرتبه‌ی بدهت و صراحت رسیده و خود خلیفه ثانی

احیّیت را سبب و علت خلافت و امامت دانسته‌اند... قوله مثل حضرت زکریا و

حضرت یحیی اقول مخاطب با وقار بعد ادعای نفی ریاست عاقله از بسیاری از

انبیای عالی مقدار با وصف بودن ایشان احب الخلق الی الربّ الجبار ذکر حضرت

یحیی و زکریا (ع) نموده و غرضش آن است که این هر دو حضرت با آن که

احب الخلق الی الله بودند لکن ریاست عاقله نداشتند و ظاهرست که نفی ریاست

عاقله ازین هر دو نبی جلیل آفت عاقله و کذبۀ تاقله و هفوه طاقله‌ست؛ چه هرگاه

نبوت این‌ها ثابت باشد، حالتی منتظره در ثبوت ریاست عاقله برای این حضرات

نیست؛ پس نفی آن در حقیقت نفی نبوت ایشان است. زیرا که معنای نبوت

همین است که حق تعالی شخص معصوم را برای هدایت خلق مبعوث سازد و

اطاعت او در جمیع امور دین و دنیا لازم و واجب گرداند و همین است معنای

ریاست عاقله لاغیر» (ج ۱۳: ۱۳۵).

سیاست متعالیه

- سال پنجم
 - شماره هفدهم
 - تابستان ۹۶
- درآمدی بر اندیشه‌ی
کلامی - سیاسی
علامه میرحامد
حسین هندی
(۹۷ تا ۱۱۶)

۱.۵. حدیث مدینه و دلالت آن بر امارت و ریاست امام علی؛ اتحاد باب بودن و امامت
روایت دیگری که شاه عبدالعزیز به نفی آن پرداخته، روایت مدینه‌العلم است. اشکالی
که وی ایراد کرده، عبارت است از این که:

«اگر شخصی باب مدینه‌العلم شد، چه لازم است که صاحب ریاست عام هم
باشد؛ بلا فصل بعد از پیغمبر» (ج ۱۴: ۳).

میرحامد حسین در طی ده فائده به معرفی راویان اهل سنت که این حدیث را نقل
کرده‌اند می‌پردازد و این حدیث را دلیل امامت و ریاست امام علی دانسته و می‌گوید:

«اول آن که این حدیث شریف دلالت دارد بر اعلمیت جناب
امیرالمؤمنین (ع) و اعلمیت مستلزم افضلیت است و بعد ثبوت افضلیت کار اهل
عقل نیست که در خلافت بلا فصل آن جناب ارتیاب ورزند؛ اما امر اول اعنی
دلالت این حدیث شریف بر اعلمیت جناب امیرالمؤمنین (ع)؛ زیرا که هرگاه به
نص این حدیث شریف جناب رسالت مآب (ص) مدینه علم باشد و جناب
امیرالمؤمنین (ع) باب آن بوده باشد، بلا شبهه لازم است که آن جناب از دیگران
افضل و اعلم باشد؛ چه اگر از باب این مدینه دیگران عالم‌تر باشند، لازم آید
تقصان باب و نقصان باب مفضیست بنقصان مدینه... این معنی بحمدالله مستلزم
اعلمیت جناب امیرالمؤمنین (ع) است» (ج ۱۵: ۵۹۹).

وی بار دیگر و به بیانی دیگر باب و امام بودن را یکی دانسته و می‌گوید:

«پر ظاهرست که باب مدینه‌العلم به این معنی متحد است به امام کما
لایخفی و نیز دانستی که این حدیث دلالت می‌نماید بر اعلمیت جناب
امیرالمؤمنین (ع) و اعلمیت مستلزم امامت است؛ پس به این لحاظ در میان باب
مدینه‌العلم و امام لزوم متحقق باشد» (ج ۱۵: ۶۰۱).

۱.۶. حدیث ثقلین؛ دلالت بر امامت و زعامت کبری

از جمله روایت مورد رد شاه عبدالعزیز حدیث ثقلین می‌باشد. وی می‌گوید: «این
حدیث هم به دستور احادیث سابقه با مدعی مساس ندارد؛ زیرا که لازم نیست که متمسک
به صاحب زعامت کبری باشد.» میرحامد حسین بعد از بحث سند می‌نویسد:

«حدیث ثقلین در باب خلافت بلا فصل جناب امیرالمؤمنین و امامت دیگر
أئمه طهرین صلوات‌الله و سلامه علیهم أجمعین و صحت مذهب مقتضیان
حضرات معصومین؛ از عمده دلایل باهره و براهین قاهره و حجج زاهره و بینات
ظاهره و شواهد ساطعه و وثائق لامعه و مؤیدات بالغه و مستندات سابقه است»
(ج ۱۸: ۶).

۱.۷. حدیث سفینه؛ ریاست عامه و خلافت تامه

به دلیل اصرار شاه عبدالعزیز بر مخدوش بودن سند این حدیث، میرحامد حسین ابتدا به بررسی و معرفی روایان این حدیث از زمان امام شافعی تا عصر مؤلف نموده و با ۲۱ وجه به دلالت این حدیث استدلال می‌کند. وی به وجوب پیروی از اهل بیت اشاره دارد و منحصر در امام علی (ع) نکرده و می‌نویسد:

«این حدیث شریف دلالت دارد بر وجوب اتباع اهل بیت (ع) علی الاطلاق، و وجوب اتباع علی الاطلاق بعد خدا و رسول (ص) برای احدی جز امام زمانه و خلیفه آن جناب ثابت نیست» (ج ۲۳: ۹۷۵).

در بخش دیگری این حدیث را به عنوان نقطه‌ی جداکننده‌ی مؤمنین و کفار دانسته و می‌نویسد:

«این حدیث شریف دلالت دارد بر آن که نفوس قدسیه اهل بیت (ع) مثل سفینه‌ی نوح ممیز بین المؤمن و الکافر هستند. و این معنی هم بحمدالله تعالی موجب ریاست عامه و امارت تاقه ایشان است؛ زیرا که تمیز بین المؤمن و الکافر بلا شبهه مرتبه عظماست که غیر معصوم دارای آن نمی‌تواند شد.» (ج ۲۳: ۹۷۸).

میرحامد حسین در ادامه، شاه عبدالعزیز را به گفته‌های خودش ارجاع داده و می‌نویسد:

«هرگاه حسب اعتراف شاه صاحب حدیث سفینه دلالت دارد بر آن که فلاح و هدایت مربوط به دوستی اهل بیت (ع) و منوط با اتباع ایشان است، و تخلف از دوستی و اتباع‌شان موجب هلاک است، پس چرا حضرتش اعتراف به خلافت و امامت این حضرات نمی‌فرماید؟ زیرا که در ماسبق به تفصیل جمیل دانستی که وجوب دوستی و اتباع این نفوس قدسیه بلا شبهه و ارتیاب به وجوه عدیده مثبت خلافت و دلیل ظاهر ریاست و زعامت ایشان است و هکذا موجب نجات بودن دوستی و اتباع‌شان و موجب هلاک بودن تخلف از دوستی و اتباع‌شان برهان باهر ریاست عامه و خلافت تامه این ذوات مقدسه است» (ج ۲۳: ۹۸۷).

۲. آرای سیاسی علامه میرحامد حسین

نظر به این که بسیاری از آثار میرحامد حسین از بین رفته و برخی دیگر از آثار به صورت دست‌نویس و پراکنده می‌باشند، بررسی دقیق نظرات سیاسی در حال حاضر ممکن نیست. اختصاص بخش جداگانه به بررسی موضوعات سیاسی در اندیشه‌ی میرحامد

سیاست متعالیه

- سال پنجم
- شماره هفدهم
- تابستان ۹۶

درآمدی بر اندیشه‌ی
کلامی - سیاسی
علامه میرحامد
حسین هندی
(۹۷ تا ۱۱۶)

حسین، رد نظر افرادی است که در زمینه‌ی اندیشه‌های وی مطالعاتی داشته‌اند و منکر هرگونه داده‌های سیاسی در اندیشه و عمل وی شده‌اند. با مطالعه در زمانه و آثار میرحامد حسین مشخص می‌شود که وی در امور جاری سیاسی دخالتی نکرده و در آثار خود به‌طور منظم و هدف‌مند به سیاست عملی نپرداخته و به فراخور شرایط زمانه، مانند وجود استعمار و سردمداری پادشاهان جور، آرای خود را ارائه نموده است.

۲.۱. آرای سیاسی در زمینه وحدت

۲.۱.۱. پیروی از مشی عالمان دینی و همراهی با دولت، عامل برتری بر بریتانیا

عالمان دینی همواره هادیان سلاطین در عمل به دستورات دین در زمینه‌ی حکومت‌داری و برخورد با مردم بوده‌اند. میرحامد حسین در این زمینه معتقد است که عمل به ارشادهای عالمان دینی سبب اتحاد و برتری بر دولت استعمارگر شده است. وی در کتاب *اسنی‌الوسائل* می‌نویسد:

«شاهد عدل این معاست ملاحظه سیرت امراء و سلاطین اهل حق در لکنهو و امثال آن که به سبب ارشاد علماء و مجتهدین خود، همیشه با دولت علیه انگریزیه نهایت وداد و اتحاد داشتند و گاهی مخالفت ایشان را جایز نمی‌انگاشتند» (میکروفیلم ج ۲: شماره ۶۹).

۲.۱.۲. ضرورت تألیف قلوب حتی با غیرمسلمانان، نیاز پادشاهان اوده

مطالعه شرایط زمانی حکومت اوده نشانگر این است که آنان علاوه بر مشکلات تعامل با اهل سنت، در زمینه‌ی ارتباط با غیرمسلمانان نیز درگیر بوده‌اند. نوع ارتباط با بیگانگان از دغدغه‌های علمای شیعه بوده است. چنان که یکی از کارگزاران دولتی در نامه‌ای با اظهار تأسف از همنشینی امراء، به‌ویژه شاه ایران با نصاری و یهود، نظر علامه میرحامد حسین را جویا می‌شود. علامه میرحامد حسین در کتاب *اسنی‌الوسائل* در زمینه‌ی این نوع ارتباط می‌نویسد:

«یکی از اصول جلیله کلیه و قواعد مهمه جمیله مرعیه اهل حق این است که در هیچ وقتی از اوقات و حالی از احوال به نحوی از انحاء، بغض و عناد را که موجب وصول ضرر و اقتحام انواع خطر باشد، جایز نمی‌دارند و رفع استیجاش و خلاف و نزاع و مهاجرت و متارکت و جلب استیناس و ائتلاف و ولاء و معاشرت و موافقت را از اهمّ مهمات و الزم مسنونات می‌بینند» (همان: شماره ۶۷).

۲.۲. ضرورت رجوع به تعالیم و عالمان دینی در مواجهه با بیگانگان

۲.۲.۱. پذیرش برتری بیگانگان و دوری از تعالیم دین، عامل شکست است.

از اصول مهمی که مسلمانان را از تبعیت و برتری دشمنان بر حذر می‌دارد و در پی عزت و استقلال مسلمانان است، قاعده نفی سییل است. بر این اساس سلطه کفار و بیگانگان بر مسلمانان نفی شده است (شریعتی، ۱۳۸۷: ۲۲۳).

میرحامد حسین علت ضعف و زیونی پادشاهان اوده را در تمکین بیگانگان و ظاهرینی و فریفته شدن در برابر آنان و جدایی از تعالیم دین می‌داند. وی معتقد است تا زمانی که به تعالیم اسلام عمل شود، عزت آنان تضمین شده است و در غیر این صورت ذلیل خواهند شد. وی در اسنی‌الوسائل نوشته است:

«... تا آن که اصل عدول از امثال اوامر علیه احکام سنیه انگلیسیه نساختند و نیز در ایام غدر و فساد و شیوع فتن و احتقاد، کسی از علمای امجاد و ققههای نقاد اهل حق، گاهی میل و رکون و جنوح و نزوع مخالفتی نکرده و همیشه اتباع خود را زجر و منع و نهی از مقابله و محاربه می‌فرمودند» (میکرو فیلم ج ۲: شماره ۶۷).

۲.۲.۲. عدم تبعیت از قوانینی که غیرمسلمانان برای جوامع اسلامی تدوین و باعث تسلط آنان شده است.

میرحامد حسین تمامی مشکلات جوامع اسلامی را در تسلط استعمارگران دانسته، معتقد است که فقط قوانینی که منشأ اسلامی دارند باید در جامعه اسلامی اجرا شوند و می‌نویسد:

«...دادن امتحان قوانین انگریزی خالی از تامل نیست» (همان: شماره ۱۹۰).

۲.۲.۳. وجوب حفظ آبروی مسلمانان و رعایت آداب اجتماعی

میرحامد حسین در پاسخ به پرسشی درباره‌ی ترک آداب نزاکت برخی از مسلمانان در برابر غیرمسلمانان در انظار عمومی می‌نویسد:

«اکل و شرب در ریل و در دیگر مراکب هرگاه به حیثی باشد که نفوس از آن منتقر شوند و حکم به نقصان عقل فاعل نمایند، قادح در عدالت است» (همان: شماره ۵۶).

سیاست متعالیه

- سال پنجم
- شماره هفدهم
- تابستان ۹۶

درآمدی بر اندیشه‌ی
کلامی - سیاسی
علامه میرحامد
حسین هندی
(۹۷ تا ۱۱۶)

۲,۳. حاکم جور

۲,۳,۱. عدم جواز رجوع به حاکم جور در دعاوی

براساس نظریه‌ی نیابت عامه‌ی فقیه از امام معصوم، هرگونه تصرف حاکمان جور در مال و جان و شئون عمومی جامعه اسلامی در زمان غیبت بدون اذن فقها نامشروع است. از این رو ضمن فتوایی مراجعه به حاکمان جور در امور قضایی را نمی‌پذیرد و معتقد است:

«از حکام جور که دعاوی حسب شرع فیصل نمی‌سازند، دعاوی خود را فیصل خواستن جایز نیست. اللهم آلا بضروره و اضطرار» (همان: شماره ۱۰۱).

۲,۳,۲. شرط کارگزاری حاکم جور

وی معتقد است به دلیل آن که پذیرش فرمان از سوی حاکم جور معصیت است، کارگزار در سفر نمازش را باید به صورت کامل به جای آورد. اما در ادامه به یک استثنا اشاره می‌کند و اکراه در سفر را مجوز قصر نماز دانسته و می‌گوید:

«محض نوکری حاکم جایز سبب تحقق اکراه سفر او که باعث سقوط معصیت که مجوز قصر صلوه و افطار صوم است نمی‌تواند باشد و مراد از اکراه که مجوز قصر صلوه و افطار صوم باشد اکراهی است که در آن خوف نفس یا خوف تلف مال محترم یا عرض یا مثل آن باشد» (همان: شماره ۲۳۴).

وی در ادامه تمامی کارگزاران را مشمول این امر دانسته و می‌گوید:

«حکم سپاهیان و طبیبان و دیگر نوکران برابر است و فرق ندارد» (همان: شماره ۲۳۴).

۲,۳,۳. حکم تصرف در اموالی که حاکم جور از مردم به دست آورده است

وی تصرف در اموالی را که علم تفصیلی به تصرف عدوانی آنها وجود ندارد، مجاز دانسته و می‌گوید:

«جام‌هایی که حکام جور از محبوسان خود درست می‌کنند، تا وقتی که علم به غصب آن بالخصوص حاصل نباشد، می‌توان خرید و نماز در آن و بر آن جایز است» (همان: شماره ۱۰۲).

۲,۳,۴. جوایز سلطان

وی در این خصوص معتقد است تا علم تفصیلی نباشد، می‌توان در جوایز سلطان تصرف نمود و الا حرام است:

«ظاهر آن است که جوایز و اموال ظلمه اگر حرام و مغضوب بودن آن
بالخصوص معلوم نباشد، می‌توان گرفت» (همان: شماره ۲۳).

۲,۳,۵. خراج پادشاه جائز و عدم کفایت آن از زکات مال

وی در باب کفایت یا عدم کفایت پرداخت خراج از زکات اسلامی می‌نویسد:
«زکات بر صاحب مال در غیر ما يأخذ العَمَّالَ مِنَ الْخَرَجِ مِمَّا يَحْصُلُ
مِنَ الْأَرْضِ واجب است. پرداخت خراج بلکه زیاده از آن به پادشاه جائز از
حقوق زکات زراعت بری‌الذمه نمی‌شود» (همان: شماره ۱۵۳).
در ادامه به پرداخت زکات و خراج به مجتهد جامع‌الشرایط تأکید کرده و پرداخت آن
به سلطان جائز را رد می‌کند:

«در وقت غیبت جناب امام(ع) زکوة و خراج زمین و رساندن آن به
مستحقان و سایر مصارف باید بلاواسطه یا واسطه مجتهد جامع‌الشرایط برسانند»
(همان: شماره ۱۵۳).

۲,۳,۶. عدم تمکین از حاکم جور در مسأله امر به معروف و نهی از منکر

میرحامد حسین شرط امر به معروف و نهی از منکر و میان‌جیگری توسط مؤمنین را
علم و قصد مصالحه و خودداری از آلت‌دست حاکمان جور شدن می‌داند:
«در صورت عدم مداخلت در حکام جور عندالإضطرار علی حسب الرّسم و
بر تقدیر عدم تحقّق شرایط مزبور خالی از اثم نیست» (همان: شماره ۱۹۲).

۲,۴. جهاد و شرایط آن

۲,۴,۱. جهاد بدون اذن امام و غنیمت آن

وی جهاد بدون اذن امام را رد کرده و غنائم را متعلق به امام دانسته و می‌گوید:
«اگر کسانی بدون اذن امام جهاد کنند، پس غنیمت ایشان برای امام است»
(همان: شماره ۲۰۱).

۲,۴,۲. جهاد و تصرف در اموال کافر حربی

میرحامد حسین اصل اولیه تصرف مال کافر حربی در میدان جنگ را اباحه دانسته و
می‌نویسد:

«اصل در اباحت مال کافر حربی اباحت است ولکن مال حربی مستأمن و
مال امانت حربی در هر دو صورت تصرف در آن نتوان کرد و نیز اگر مسلم
بالأستیمان در دارالحرب برود در این صورت هم مال اهل حرب نمی‌تواند
گرفت» (همان: شماره ۵۲).

سیاست متعالیه

- سال پنجم
 - شماره هفدهم
 - تابستان ۹۶
- درآمدی بر اندیشه‌ی
کلامی - سیاسی
علامه میرحامد
حسین هندی
(۹۷ تا ۱۱۶)

۲،۴،۳. خدعه در صحنه‌ی جهاد در راستای مصلحت دین ایرادی ندارد
از دیدگاه فقه اسلامی، خدعه در جنگ جایز می‌باشد. علامه حلی در کتاب «تذکره» و
«منتهی» بر این مطلب، ادعای اجماع نموده است (نوروزی، ۱۳۸۹: ۶۰). علامه میرحامد حسین در
کتاب «أسئلة و أجوبة» در این زمینه معتقد است:

«کسی که در جنگ گاه می‌خواهد با دشمنان فکری کند که بر ایشان
غالب شود، چون از برای مصلحت دین است بر وی گناهی نیست، به‌سند معتبر
از حضرت رسول منقول است که سه محل است که دروغ گفتن در آنها
حسن و نیکوست: مگری که در جنگ کند...» (شماره ۷۹).

۲،۵. بیعت با غیر معصوم و حوزه اختیارات فقیه (نائبان عام)

۲،۵،۱. مسأله‌ی بیعت و اعتقاد به انحصار بیعت با امام معصوم
وی معتقد است که بیعت در جامعه اسلامی برای تشکیل حکومت فقط برای امام است
و در غیر آن باطل است: «بیعت با غیر امام باطل است» (همان: شماره ۱۸۳). در جایی دیگر در
همین زمینه می‌نویسد: «بیعت کردن با غیر امام در شرع اصلی ندارد» (همان: شماره ۱۸۵).

۲،۵،۲. خلافت و رد آن

میرحامد حسین در ذیل روایتی می‌نویسد:
«نکار آن نباید کرد که خلافت اصلی از اصول اهل حق نیست.»

۲،۵،۳. اختیارات فقیه در اجرای حدود در زمان غیبت منحصر در حق الله است
میرحامد حسین اجرای حدود در زمان غیبت را به دو بخش تقسیم کرده و اجرای
حدود را منحصر در حق الله دانسته و در کتاب أسنى الوسائل می‌گوید:
«فقهاء در عصر غیبت می‌توانند حقوق الله را جاری سازند» (ج ۴: شماره ۷۸).

۲،۵،۴. اعطای امان به کافر حربی

وی در این زمینه می‌گوید:
«امام یا نائب او برای اهل حرب می‌تواند امان دهد و آحاد مسلمین به آحاد
کفار می‌تواند امان دهد؛ اما اگر کفار مسلط شوند، در این صورت در امان
نیستند» (همان: شماره ۱۰۵).

۲،۵،۵. مسأله‌ی خراج

میرحامد حسین خراج را متعلق به امام و نائبان عام می‌داند و می‌گوید:

«خراج زمین متعلق به امام زمان(ع) دارد و من نیوب منابه من نوابه(ع)»

(همان: شماره ۱۶).

۲.۵.۶. نماز جمعه عملی عبادی سیاسی

میرحامد حسین نماز جمعه در عصر غیبت را واجب کفائی دانسته و می‌گوید:

«عیبیت و جوب جمعه در زمان غیبت خلاف مشهور و منصور [است]»

(همان: شماره ۲۲).

در ادامه با تأکید بر برپایی نماز جمعه و توجه به شرایط جامعه می‌گوید: بهتر است در نماز جمعه حاضر شد، مگر آن کس که مانع شرعی دارد.

۳. مشی سیاست عملی علامه میرحامد حسین

مقصود از واژه‌ی عمل سیاسی متفاوت از رفتار سیاسی مصطلح است. عمل سیاسی عبارت است از: موضع و اقدامی که یک فرد یا گروه در فضای محیط سیاسی و ناظر به شرایط زمانی و مکانی خاص انجام می‌دهد. با استفاده از اصطلاح سنت در فقه شیعه و اقسامی که برای آن ذکر می‌شود، می‌توان عمل سیاسی را دارای اقسام سه‌گانه دانست: قول سیاسی (اعم از نوشتار و گفتار)، فعل سیاسی و تقریر سیاسی. اقدامات عملی میرحامد حسین در سه بخش قابل بررسی است:

۳.۱. عزلت سیاسی

به‌رغم تلاش‌های علمی میرحامد حسین هیچ‌گونه رفتار سیاسی و یا ورود در دربار پادشاهان اوده از وی گزارش نشده است. باید اذعان نمود که طرح بحث منصور میراحمدی مبنی بر این که نمی‌توان میرحامد حسین را در زمره‌ی عالمان اصلاحی قرار داد، چراکه هیچ‌گونه عمل اصلاحی سیاسی از وی گزارش نشده است، قابل توجه است؛ اما باید به این امر نیز توجه نمود که قرار دادن میرحامد حسین در رویکرد اصلاحی ناظر به اصلاح در اندیشه بوده و در تقسیم‌بندی عمل سیاسی به معنای رفتار سیاسی جایابی نمی‌شود. همین مطلب از نامه‌های شیخ مازندرانی به وی قابل مشاهده است. در بخشی از این نامه‌ها آمده است:

«... جناب ایشان از کج رفتاری چرخ غدار و گرفتاری به ناهنجاری اهل روزگار غدار، از خلق روزگار پوشیده و تزلزل به لباس عزلت و گوشیه‌گیری و کناره‌گزینی را شعار خویش فرموده‌اند، به ملاحظه‌ی وقت که زمان انسداد باب علم است، باب مراجعت و معاشرت با خلق را بر خویش بسته و دل از اهل زمان شکسته و از قلت مبالغت مردم در امر دین و عدم اعتنای ایشان به حاملین

سیاست متعالیه

- سال پنجم
- شماره هفدهم
- تابستان ۹۶

درآمدی بر اندیشه‌ی
کلامی - سیاسی
علامه میرحامد
حسین هندی
(۹۷ تا ۱۱۶)

اخبار ائمه‌ی طاهرین، خاطرش آزرده و افسرده می‌باشد.... اگر عزلت و انزوا را جهت خُسنی بودی رسول خدا(ص) که مُجمع جمیع محاسن و مکارم است آن را وظیفه‌ی خود فرمودی و چهره‌ی مهرانند را از مهاجر و انصار در پوشیدی و حال آن که برعکس؛ سلوک فرموده، مردمان را هم امر می‌فرمودی» (فخرالشریعه، ۱۳۷۷: ۲۹۵).

۳،۲. مشی عملی علامه میرحامد حسین در برابر استعمار (اتکا بر تولیدات مسلمانان) میرحامد حسین از وابستگی مسلمانان رنج می‌برده و دل در گرو عزت مسلمانان داشت. او برای این کار، در طول عمرش تمام کتاب‌هایش را (مدرس تبریزی، ج ۲: ۴۳۳) فقط با کاغذهای ساخت کشورهای اسلامی نوشته، و از قلم و مرکب خارجی استفاده نکرد. وی از هرگونه وسایل، پارچه و لباس‌های ساخت غیرمسلمانان پرهیز می‌کرده و این امری مشهور و متواتر است» (آقا بزرگ تهرانی، ج ۱: ۳۴۷).

۳،۳. مشی عملی علامه میرحامد حسین در راستای وحدت اسلامی نکته‌ی جالب درباره‌ی مشی عملی میرحامد حسین این است که علی‌رغم مباحثه‌ی شدید با اهل سنت در مقام علم و مناظره، در مقام عمل برای اعلام وحدت در نماز جماعت آن‌ها شرکت کرده است. وی این مطلب را به‌صراحت در سفرنامه‌ی حج خود نوشته و متذکر می‌شود:

«پنجشنبه دوازدهم شوال جهت انجام طواف به نیابت از خواهر بزرگ‌ترم راهی مسجدالحرام شدم. با پایان یافتن طواف، ظهر فرا رسید. در مسجدالحرام ماندم و در نماز جماعت ظهر شرکت کردم» (۲۰۷).

نتیجه‌گیری

در طول تاریخ، شیعه همواره در پی دفاع از حقانیت منصب امامت بوده است. فعالیت‌های علمی میرحامد حسین در مقطعی از تاریخ هند صورت گرفته است که شیعه گرفتار دو معضله‌ی "تفرقه‌های مذهبی" و "سلطه‌ی استعمار" بوده است. استعمار هند عامل مهمی در تعمیق شکاف بین مسلمانان و مورد هجوم واقع شدن شیعه بوده است. تلاش‌های میرحامد حسین در مواجهه با حملات علمی شاه ولی‌الله و شاه عبدالعزیز، تبیین مبانی معرفتی اندیشه‌ی سیاسی شیعه در قرآن و سنت براساس روش استنادی و تحلیل محتوا، به خلق اثری بی‌بدیل به‌نام *عقبات الانوار* انجامیده است.

هرچند میرحامد حسین با استفاده از فرصت‌های پیش آمده در حکومت پادشاهی شیعی اوده توانست به مبارزات علمی خود بپردازد، اما در اعتراض به مراودات این سلسله پادشاهی

با اجانب و مخالفان شیعه در حکومت، وارد نشده و به مجاهدت‌های علمی پرداخت. اقدام عملی وی در ارتباط با حکومت زمانه، عزلت بوده و در برابر استعمار، اتکا بر تولیدات داخلی مسلمانان و در زمینه‌ی ارتباط با دیگر مذاهب اسلامی، رویکرد وی وحدت عملکردی بوده است. در میان علمای علم کلام آثار وی مهم‌ترین منبع در تبیین مبانی نظام امامت شیعی است.

منابع

۱. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق). الذریعة الی تصانیف الشیعة. بیروت: دارالاضواء (چاپ سوم).
۲. بهروز لک، غلامرضا (۱۳۷۷). درآمدی بر کلام سیاسی شیعه، علوم سیاسی، شماره ۲.
۳. پزشکی، محمد (۱۳۸۴). مبانی اندیشه سیاسی شیعه. در: <http://pezeshki.blogfa.com>
۴. حسین خان، سعادت (بی تا). ضیاءالعین. شیکاگو: نشر The Open School.
۵. حسینی میلانی، سیدعلی (۱۳۷۲). نفحات الازهار فی خلاصه عیقات الانوار. قم: نشر حسینی میلانی.
۶. حکیمی، محمدرضا (۱۳۵۹). میرحامد حسین. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۴۷). مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان. تهران: انتشارات آسیا (چاپ دوم).
۸. شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۷). قواعد فقه سیاسی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. عباس حسن، حسن (۱۳۸۳). ساختار منطقی اندیشه سیاسی اسلام. ترجمه: مهدی فضائلی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۰. کنتوری، میرحامد حسین (بی تا). أسئلة و أجوبه. میکرو فیلم نسخه خطی، کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی.
۱۱. _____ (بی تا). اسفار الانوار. نسخه خطی، کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی.
۱۲. _____ (بی تا). أسنی الوسائل. میکرو فیلم نسخه خطی، کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی.
۱۳. _____ (۱۳۸۱). سوارق النصوص. قم: دلیل ما.
۱۴. _____ (۱۳۶۶). مجموعه عیقات الأنوار فی إثبات امامة أئمة الأطهار. اصفهان: نشر کتابخانه امیرالمومنین.
۱۵. فخرالشریعه، حسن (۱۳۷۷). ستایشنامه شیخ زین‌العابدین مازندرانی به میرحامد حسین، علوم حدیث، شماره ۷.
۱۶. _____ (۱۳۷۱). نامه‌هایی از محدث نوری به میرحامد حسین، نور علم، شماره ۴۸.
۱۷. فرمانیان، مهدی (۱۳۸۲). شبه قاره هند؛ دیوبندیه، بریلویه و وهابیت. ماهنامه طلوع، دوره اول، شماره ۶.

۱۸. قراملکی، احد فرامرز (۱۳۸۱). امامت: روش شناختی و چستی. فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۳.
۱۹. لاییدوس، ایرام (۱۳۸۱). تاریخ جوامع اسلامی. ترجمه: علی بختیاری زاده. تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۰. لک زایی، نجف (۱۳۸۰). اندیشه‌ی سیاسی محقق سبزواری. قم: بوستان کتاب.
۲۱. _____ (۱۳۷۹). درآمدی بر طبقه‌بندی‌های اندیشه‌ی سیاسی اسلامی. فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۶.
۲۲. موتقی، سید احمد (۱۳۷۸). اندیشه و استراتژی وحدت در شبه قاره هند. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی (چاپ دوم).
۲۳. هاردی، پیتز (۱۳۶۹). مسلمانان هند بریتانیا. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۴. نوروزی، محمد جواد (۱۳۸۹). پژوهشی در خصوص جایگاه جنگ روانی در اسلام، معرفت، شماره ۶.
25. Cole, J.R.I. Roots of North Indian Shi'ism in Iran and Iraq: Religion and State in Awadh, 1722-1859. Berkeley: University of California Press, c1988 1988.